

دین و سرمایه اجتماعی

«واکاوی ظرفیت‌های اجتماعی جامعه اسلامی ایران»

تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۲۶

تاریخ پذیرش: ۹۵/۸/۲۸

محمدتقی پیربابایی^۱

سیداحمد فیروزآبادی^۲

عیسی حجت^۳

محمد سلطان‌زاده^۴

چکیده

سرمایه اجتماعی مفهومی است زمینه‌گرا و دین یکی از عوامل مهم در بررسی آن می‌باشد. این پژوهش تلاش می‌کند تا تصویری از سرمایه اجتماعی در جامعه اسلامی ایران ارائه دهد. گام نخست در جهت شکل‌گیری چارچوبی برای این مفهوم یافتن پاسخی برای این پرسش‌هاست: هسته سرمایه اجتماعی چیست؟ کنشگر با چه انگیزه‌ای به کنشگری در شبکه‌ها روی می‌آورد؟ (سرچشمه) مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی کدام‌اند؟ برای پاسخ به این سؤالات با توجه به جامعه ایران به دو وجه اجتماعی (از صفویه تا دوره معاصر) و دینی توجه شده است. بررسی نظام اجتماعی ایران نشان داد سرمایه اجتماعی ساختاری به دلیل حضور و اثرگذاری محدود و ناچیز گروه‌ها و شبکه‌های رسمی دچار ضعف است. آموزه‌های اسلام از یکسو سرچشمه‌های سرمایه اجتماعی را ترویج و تقویت و از سوی دیگر عناصر شناختی آن را تأیید و توصیه می‌کنند. بنابراین سرمایه اجتماعی در ایران برخلاف غرب، در شکل شناختی غنی و نیرومند بوده و انگیزه‌های لازم را برای رشد و شکوفایی آن فراهم می‌کند. این نتیجه‌گیری همچنین، تعیین مؤلفه‌ها و شیوه‌های بروز سرمایه اجتماعی در ایران را ممکن می‌سازد.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، اسلام، ایران، دین، ساختار اجتماعی.

۱ دانشیار، دانشکده معماری، دانشگاه هنر اسلامی تبریز. (نویسنده مسئول) pirbabaei@tabriziau.ac.ir

۲ دانشیار، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

۳ استاد، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

۴ پژوهشگر دوره دکترای معماری اسلامی دانشگاه هنر اسلامی تبریز، عضو هیات علمی (مری) دانشگاه شهید

مقدمه و بیان مسئله

سرمایه اجتماعی واژه‌ای است که از اواخر قرن گذشته در ادبیات آکادمیک حوزه‌های مختلف طرح و گسترش یافته و کاربرد آن به سطوح و لایه‌های دیگر جامعه نیز کشیده شده است. این مفهوم از دو واژه «سرمایه» و «اجتماعی» تشکیل شده و به سرمایه‌ای اشاره دارد که از بطن روابط اجتماعی قابل حصول است. سرمایه اجتماعی به روابط بین افراد در جامعه چه در جایگاه فرد (کنشگر) و چه در جایگاه عضوی از یک گروه نظر دارد. لزوم ارتباط بین افراد جامعه موضوع و سرفصل جدیدی نیست، اما برقراری رابطه مطابق مفهوم سرمایه اجتماعی، نیل به سود یا هدف و دستیابی به منابع را برای کنشگر تسهیل می‌کند. سرمایه اجتماعی در حوزه‌های مختلف، با اهداف و کاربردهای متفاوت مطرح شده است. کارپنتر^۱ و دیگران (۲۰۰۴) معتقدند اقتصاددانان و سیاسیون آن را برای بررسی کنش جمعی، جغرافی‌دانان برای بررسی ابعاد فضایی سرمایه اجتماعی، طراحان شهری به عنوان نیروی برای ساخت محله و ارتقا ظرفیت‌های محلی و بانک جهانی عاملی برای رسیدن به منابع توسعه اقتصادی، سیاسی می‌بینند. فیلد (۱۳۸۶) کارایی و اثربخشی سرمایه اجتماعی را در حوزه‌هایی چون آموزش، سلامت، توسعه اقتصادی، پاتنام^۲ (۲۰۰۲) در توسعه سیاسی، ریدین و پنینگتن^۳ (۲۰۰۰) در توسعه محله‌ای، گروتائرت و باشتلیر^۴ (۲۰۰۲) در ارتقا فرصت‌ها، تسهیل توانمندسازی، افزایش امنیت و کارپنتر و دیگران (۲۰۰۴) در افزایش مشارکت جمعی دانسته و برخی برای آن اهمیتی در سطح سرمایه‌های انسانی و فیزیکی قائل می‌شوند (فیلد، ۱۳۸۶؛ کلمن، ۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی در عین حال مفهومی است که در هر دو شکل ساختاری و شناختی وابسته به بستر و زمینه است. مؤلفه‌ها، کارکرد، تعریف و سنجش سرمایه اجتماعی تحت تأثیر بستر اجتماعی، دینی، تاریخی بوده (تاجبخش، ۱۳۸۴؛ گروتائرت و باشتلیر، ۲۰۰۲؛ Kay, 2006; Portes, 1998) و «با ویژگی‌های ساختار جامعه و عناصر و اجزای آن رابطه‌ای تنگاتنگ دارد.» (پیران، ۱۳۹۲: ۶۸). پالمر و پرکینز^۵ (۲۰۱۱) و ویسینک، هازلزت^۶ (۲۰۱۲) در تحقیقات تجربی خود در چین و ژاپن، وابستگی سرمایه اجتماعی را به شرایط نشان داده‌اند. از سوی دیگر، یکی از موضوعات مطرح در مفهوم

1 Carpenter

2 Putnam

3 Rydin & Penington

4 Grootaert & Bastelaer

5 Palmer&Perkins

6 Wissink&Hazelzet

سرمایه اجتماعی، رابطه آن با دین بوده و اندیشمندانی چون کلمن (۱۳۸۶) فوکویاما (۱۳۸۵) فیلد (۱۳۸۶) به نقش آن در شکل‌گیری، کارکرد و بروز سرمایه اجتماعی پرداخته و تحقیقات تجربی مختلفی نیز در این زمینه انجام شده است.

با توجه به اهمیت، کارکرد، و تنوع حوزه‌های منتفع از سرمایه اجتماعی، می‌توان به نقش مثبت آن در رفع یا کاهش برخی چالش‌های جامعه معاصر ایران نظر داشت و شیوه‌های شکل‌گیری و حفظ آن را بررسی و جستجو کرد. به نظر می‌رسد چنانچه در پیاده‌سازی، گسترش و استفاده از سرمایه اجتماعی در ایران، به ابعاد مختلف این مفهوم نظیر دلایل شکل‌گیری، اشکال بروز، مؤلفه‌ها و... عیناً مطابق ادبیات غرب نگاه و از ظرفیت‌های اجتماعی مفاهیم اسلامی در قرآن غفلت و به موقعیت اجتماعی ایران بی‌توجهی شود، نتایج مورد انتظار به دست نخواهد آمد. براین اساس، بررسی سرمایه اجتماعی می‌بایست براساس شرایط به گونه‌ای انجام شود که منطبق با جامعه اسلامی (نظر به ماهیت دین اسلام و جایگاه ویژه آن در ایران) و نیز منطبق با ظرفیت‌های اجتماعی جامعه ایران باشد. به بیانی دیگر، بهره‌گیری از مزایا و ثمرات سرمایه اجتماعی و افزایش کارایی آن، در صورتی در سطح جامعه رخ می‌دهد که بتوان از تأثیر دین اسلام و آموزه‌های آن و نیز ویژگی‌های اجتماعی ایران بر این مفهوم در وجوه مختلف آن آگاهی یافت. این آگاهی می‌تواند به ارزیابی صحیح‌تر و دقیق‌تر مفهوم و شناسایی نقاط قوت و ضعف آن در ایران کمک کرده و در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها برای افزایش سرمایه اجتماعی در سطوح مختلف کاربرد داشته باشد. در مجموع، مسئله و دغدغه پژوهش‌باور به این ضرورت است که برای بهره‌بردن از نتایج مثبت و دستاوردهای سرمایه اجتماعی باید به شناخت و بازخوانی این مفهوم براساس ظرفیت‌های جامعه اسلامی ایران پرداخت.

اهداف و سؤالات پژوهش

هدف اصلی پژوهش آن است که تصویری از سرمایه اجتماعی در ایران، متأثر از دین اسلام و مختصات اجتماعی ایران ارائه کند که در آن الف. دستاوردهای آموزه‌های اسلام و ب. ظرفیت‌های اجتماعی جامعه ایران برای وجوه مختلف این مفهوم روشن شود. برای نیل به این هدف و در گام نخست لازم است تا به مفهوم سرمایه اجتماعی در شرایطی که در آن طرح شده یعنی ادبیات غرب اشاره شود. به دلیل تنوع تعاریف و گستره مفهومی و برای آنکه بتوان چارچوبی روشن و قابل تحلیل ارائه کرد، این پژوهش سرمایه اجتماعی را در سطح خرد و

میانی، در رویکرد فردی (در مقابل رویکرد شبکه‌ای)، و با تأکید بر دو شکل ساختاری و شناختی آن مدنظر قرار داده و به‌طور مشخص در پی پاسخ به این پرسش‌هاست: ۱. چه مفاهیمی در تعریف سرمایه اجتماعی طرح شده است؟ ۲. هسته یا جوهر، ۳. سرچشمه‌ها و ۴. مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی کدام‌اند؟ هدف پژوهش در گام نهایی، بازخوانی و انطباق هسته، سرچشمه‌ها و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (به‌دست آمده در گام اول)، متأثر از آموزه‌های دین اسلام و در شرایط اجتماعی ایران (از صفویه تا دوره معاصر) بوده و در پی آن است که بداند آیا هسته یا جوهر سرمایه اجتماعی در ایران جاری است؟ کدام یک از سرچشمه‌های سرمایه اجتماعی در پرتو تعالیم و احکام اسلام قابل حصول است؟ کدام یک از مؤلفه‌های آن در اسلام توصیه شده یا در شرایط اجتماعی ایران وجود دارد؟ و در نهایت، سرمایه اجتماعی در جامعه اسلامی ایران در کدام سطوح و اشکال خود دچار ضعف یا قوت است؟

پیشینه تحقیق در غرب و ایران

تأثیر و نقش دین در سرمایه اجتماعی در اکثر پژوهش‌ها و نظریات مرتبط با این مفهوم مورد تأکید قرار گرفته و به رابطه سرمایه اجتماعی با افول دین‌داری (فیلد، ۱۳۸۶ و فوکویاما، ۱۳۸۵) حضور در کلیسا (پاتنام، ۲۰۰۲) و ایدئولوژی و مذهب (کلمن، ۱۳۸۶) اشاره شده است. از دید جان و کلمن^۱ (۲۰۰۳) کلیساها، به‌ویژه در سطح خرد، مهم‌ترین مکان‌ها برای تولید سرمایه اجتماعی هستند. اسمیت^۲ (۲۰۰۳) معتقد است در مقیاسی فراتر، تلاش‌های اجتماعی دیگر نهادهای مدنی می‌توانند از پتانسیل سرمایه اجتماعی دینی برای تقویت اعتماد و انسجام استفاده کنند. پژوهش‌های تجربی در غرب با موضوع دین و سرمایه اجتماعی را می‌توان در سه دسته جای داد:

دسته اول: بسیاری از پژوهش‌ها به بررسی رابطه دین (حضور در کلیسا یا خدمات مذهبی، دین‌داری، عضویت در گروه‌های مذهبی و...) و سرمایه اجتماعی به‌طور مستقیم یا مؤلفه‌ها و مفاهیم مرتبط با آن نظیر انجام کارهای داوطلبانه، مشارکت مدنی و اجتماعی، اعتماد، کنش سیاسی و... پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها عموماً دین را عاملی برای ساخت سرمایه اجتماعی و مهارت‌های مدنی دانسته و به رابطه مثبت بین دین‌داری و کارهای داوطلبانه (Mencken and Lewis at all, Fitz, 2013; Yeung, 2004; Stromsens, 2008; Lam, 2002) اشاره کرده‌اند. لاولند^۳ و دیگران (۲۰۰۵) به رابطه بین دین و

1 John & Coleman

2 Smidt

3 Loveland

مشارکت مدنی از طریق پویایی اجتماعی، سنت‌ها و مراسم دینی، مهارت‌های اجتماعی، به‌کار افتادن شبکه‌ها، ایجاد انگیزه برای فعالیت سیاسی تأکید کرده‌اند.

دسته دوم: برخی مطالعات به تأثیر مناسک و رسوم ادیان و فرقه‌ها بر سرمایه اجتماعی یا مؤلفه‌های آن پرداخته‌اند. جیونگ^۱ (۲۰۱۰) در پیمایش خود نتیجه گرفته مسیحیت، برخلاف بودیسم، مشغولیت مدنی افراد را افزایش می‌دهد. لام (۲۰۰۲) تأثیر ادیان مختلف بر داوطلبی افراد را متفاوت دانسته است.

دسته سوم: این پژوهش‌ها (که تعداد آنها به مراتب کمتر از دو گروه پیشین است) تلاش کرده‌اند تا رابطه دین و سرمایه اجتماعی را از منظر تأثیر دین بر باورهای فرد بسنجند و به جنبه‌های خصوصی و یا وجوه ذهنی فرد (متأثر از دین) بپردازند. تأثیر دین در این تحقیقات براساس نقش آن در شکل‌گیری باورها، اعتقادات و ارزش‌هایی در ذهن فرد سنجیده می‌شود که منجر به کنش‌هایی در جهت ارتقا سرمایه اجتماعی (یا مؤلفه‌های آن) می‌شود. لاولند و دیگران (۲۰۰۵) بیان می‌کنند فرد هنگام «عبادت فردی»^۲ به نیازهای دیگران و لزوم کمک به آنها می‌اندیشد که نمود اجتماعی آن توسعه و بهبود نهادهای داوطلبانه خواهد بود. منکن و فیتز (۲۰۱۳) مشاهده کردند نوع و دامنه فعالیت‌های داوطلبانه افراد به تعریف آنها از خدا بستگی دارد. لام (۲۰۰۲) در بیانی کلی می‌گوید عبادت که از شکلی دین‌داری است با تقویت ارزش‌های دینی بر عضویت افراد در گروه‌ها اثر می‌گذارد. گروه‌های دینی دارای گونه یا نوعی از سرمایه اجتماعی متفاوت از دیگر گروه‌ها می‌شوند (Wuthnow, 2002؛ اسمیت، ۲۰۰۳) افراد دین‌دار به دلیل حضور در شبکه‌های اجتماعی دینی رضایت بیشتری از زندگی دارند (لیم و پاتنام، ۲۰۱۰).

اما باید پرسید محققین در سه گروه فوق به چه وجهی از دین توجه کرده و تأثیر آن را بر کدام بخش از سرمایه اجتماعی آزموده یا تأیید کرده‌اند؟ از نظر همیلتون (۱۳۹۲) تبیین دین از دو منظر ممکن است: روان‌شناختی و جامعه‌شناختی. نظریات روان‌شناختی به ریشه‌یابی دین در خرد انسان (عقل‌گرایانه) یا در وجوه عاطفی انسان (عاطفه‌گرایانه) می‌پردازند، ولی در رویکرد جامعه‌شناختی بیش از آنکه به باورهای فرد و اعتقادات دینی او توجه شود به جنبه‌های عملکردی دین پرداخته می‌شود. از این منظر، مطالعات گروه الف و ب، رویکردی جامعه‌شناختی داشته و دین را از منظر کارکردی سنجیده و تعریف کرده‌اند. در این مطالعات، دین عاملی برای گردهم آمدن افراد و

1 Jeong

2 Private Prayer

شکل‌گیری یک گروه یا شبکه بوده و وجه سازمان‌دهنده دین (نقش ابزاری) مدنظر است و نه نقش معنوی یا ذهنی آن. به بیانی دیگر، دغدغه و پرسش این پژوهش‌ها آن نبوده که آیا باورها و اعتقادات دینی عاملی برای مشارکت، هم‌یاری، اعمال داوطلبانه و... بوده است یا خیر. پژوهش‌های گروه سوم را، که به وجه ذهنی و شناختی دین توجه داشته‌اند، می‌توان ذیل رویکرد روان‌شناختی قرار داد. این گروه از پژوهش‌ها به سه نکته مشترک اشاره کرده‌اند: ۱. کمبود تحقیقات انجام شده در این زمینه، ۲. دشوار بودن آن، ۳. لزوم انجام مطالعات بیشتر. پژوهش‌هایی که در غرب مرتبط با سرمایه اجتماعی و اسلام انجام شده اندک هستند. سرکیسیان^۱ (۲۰۱۲) نتیجه گرفته مشارکت در نهادهای اسلامی با مشغولیت مدنی رابطه مثبت دارد اما از ابهام در منبع این تأثیر سخن می‌گوید « آیا تأثیر اسلام بر سیاست نتیجه تلاش جمعی است که در نهادهای وابسته به آن صورت می‌گیرد یا نتیجه آموزه‌های این دین است که در مراسمی شبیه نماز جمعه تبلور یافته است؟» (Sarkissian, 2012:610) در پژوهشی دیگر، هاپکینز^۲ (۲۰۱۲) معتقد است اسلام از طریق هویت‌بخشی جمعی می‌تواند به ایجاد سرمایه اجتماعی کمک کند. این پژوهش‌ها نیز همچون دسته سوم به دشواری سنجش دین‌داری، به‌ویژه برای مسلمانان (گیل، ۲۰۱۱؛ سرکیسیان، ۲۰۱۲)، و لزوم انجام مطالعات بیشتر (هاپکینز، ۲۰۱۲) و همچنین به کاستی‌های تحقیقات غرب، به‌ویژه در خصوص اسلام، اشاره کرده‌اند. گیل^۳ (۲۰۱۱) معتقد است این تحقیقات در نگاه به معنویت اسلام بیشتر به ظاهر آن توجه کرده‌اند تا آنچه که واقعاً وجود دارد، لذا از دید او در خصوص مفهوم سرمایه اجتماعی تحقیقات باید به بازنگری «چه در نگاه کلی و چه در کاربردهای خاص آن در حوزه مشارکت‌های دین‌محور» (Gale, 2011:402) پردازند.

پژوهش‌هایی که در ایران به بررسی رابطه اسلام و سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند را می‌توان در دو دسته تجربی و نظری جای داد:

۱. پژوهش‌های تجربی به بررسی رابطه دین (دین‌داری) و (عمدتاً مؤلفه‌های) سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند. در غالب این تحقیقات^۴ عدم توجه به شرایط و ویژگی‌ها در تعیین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و عدم شفافیت رویکرد و سطح مورد سنجش از نقاط ضعف و توجه به وجوه ذهنی و شناختی دین نقطه قوت آنها محسوب می‌شود. گروهی دیگر از پژوهش‌ها نیز به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و اقتصاد، توسعه، ساختار محله و... پرداخته و در عملیاتی کردن مفاهیم به دین‌داری و تأثیر آن توجه کرده‌اند.

1 Sarkissian
2 Hopkins
3 Gale

۴ برای استثنا می‌توان به (فیروزآبادی، ایمانی، ۱۳۸۵) اشاره کرد.

۲. در پژوهش‌های نظری که با استفاده از آیات و احادیث، تأثیر اسلام بر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بررسی شده (علینی، ۱۳۹۱؛ فصیحی، ۱۳۸۹؛ کوهکن، ۱۳۸۸) علاوه بر آنکه مؤلفه‌ها عیناً از مدل‌های غرب برداشت شده‌اند، به زمینه تحقیق و دیگر وجوه سرمایه اجتماعی توجه نشده است. برخی پژوهش‌ها (زارعی و لکزایی، ۱۳۹۲؛ درخشه و ردادی، ۱۳۹۰) عیناً از مدل‌های غربی استفاده نکرده‌اند لیکن علاوه بر آنکه به شرایط اجتماعی توجه نکرده‌اند، صرفاً به رابطه یکی از وجوه سرمایه اجتماعی با اسلام یا شیعه توجه کرده‌اند.

این پژوهش در قیاس با تحقیقات غربی بر وجه ذهنی دین (رویکرد روان‌شناختی) و تأثیر آن بر دو شکل شناختی و ساختاری سرمایه اجتماعی توجه دارد و در قیاس با تحقیقات داخلی، با تعیین سطح و رویکرد مشخص، هم‌زمان تأثیر شرایط اسلامی و اجتماعی ایران را علاوه بر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر سرچشمه‌ها و هسته آن نیز بررسی کرده است. توجه به هر دو وجه اسلامی و اجتماعی شرایط امکان استفاده از یافته‌های پژوهش (نظیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی) را برای کاربردهای تجربی فراهم می‌کند.

چارچوب مفهومی

پرداختن به سرمایه اجتماعی، با توجه به آنکه مفهومی پیچیده و با تعاریف و تقسیم‌بندی‌های مختلف است، می‌تواند گسترده و گاه پراکنده و مغشوش باشد. این پژوهش برای پرهیز از پراکندگی و نیز تدقیق مسئله دو تمهید را به کار می‌برد: ۱. از میان رویکردهایی که به سرمایه اجتماعی وجود دارد و سطوح مختلف آن (خرد، میانی، کلان) به رویکرد فردی و سطح خرد و میانی گرایش داشته، همچنین سرمایه اجتماعی را براساس دو شکل ساختاری و شناختی بررسی می‌کند. سرمایه اجتماعی ساختاری «با اشکال مختلف سازمان اجتماعی به خصوص نقش‌ها، قوانین، رویه‌ها و روش همراه است» (Uphoff, 2000: 218) و سرمایه اجتماعی شناختی ناشی از فرایند ذهنی است «که از فرهنگ و ایدئولوژی و به‌طور خاص هنجارها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و اعتقادات استحکام و قوام یافته‌اند» (همان) ۲. پژوهش متأثر از اهداف و سؤالات خود، بر وجوه مشخصی از سرمایه اجتماعی شامل: تعاریف، جوهر، سرچشمه‌ها و مؤلفه‌های آن متمرکز شده و چارچوب مفهومی خود را براساس آنها پی‌ریزی می‌کند.

تعاریف سرمایه اجتماعی: برای سرمایه اجتماعی تعاریف مختلف و متنوعی ارائه شده گرچه علی‌رغم این تنوع «یک هم‌گرایی مستدلی بین عوامل کلیدی که برای تعریف مفهوم مورد

استفاده قرار می‌گیرند وجود دارد.» (Wood, 2006: 8). بدین جهت می‌توان برای رسیدن به تعریفی (هرچند موسع) از سرمایه اجتماعی به تعاریف مختلف ارائه شده برای آن و استخراج مفاهیم و نکات کلیدی آنها توسل جست. این امر کمک می‌کند تا با شناخت و انتخاب مفاهیم و واژگان کلیدی آنچنان که پیران (۱۳۹۲) می‌گوید رسیدن به تعریفی از سرمایه اجتماعی، مفهوم‌سازی آن و انتخاب مؤلفه‌ها و متغیرهای اصلی آن ممکن شود. بر این اساس، در این پژوهش به ۲۳ تعریف از این مفهوم مراجعه شد. ملاک انتخاب تعاریف، نخست میزان اهمیت و فراگیری ارجاعات به آن بوده و بیشتر شامل تعاریف اندیشمندان مطرح و مؤلف این مفهوم و سپس نزدیکی آنها به رویکرد و سطح این پژوهش (خرد و میانی) بوده است.

مفاهیم و واژگانی که در این تعاریف به کار رفته به ترتیب فراوانی عبارت‌اند از: روابط (اجتماعی)، شبکه، اعتماد، هنجار، ساختار اجتماعی، منابع و... از منظر نتایج یا ثمرات نیز بیشترین اشاره به تسهیل کنش فردی یا جمعی بود. بر این اساس، می‌توان گفت سرمایه اجتماعی در روابط اجتماعی و شبکه‌ها امکان ظهور پیدا می‌کند و آنچه ایجاد آن را ممکن می‌سازد وجود اعتماد و هنجارهای اجتماعی است تا از طریق آن به منابع موجود دسترسی پیدا شود و هدف یا نتیجه مشترک آن نیز تسهیل کنش افراد برای رسیدن به اهداف گروهی و فردی از طریق مبادله منابع هریک از اعضاست. نیل به این اهداف یا دستاوردها در غیاب آن تعامل و ارتباط درون شبکه، ممکن نبود.

مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی: شناخت مؤلفه (شاخص)های سرمایه اجتماعی گامی ضروری برای کاربردی کردن آن است، گرچه انجام این امر برای مفاهیمی انتزاعی چون سرمایه اجتماعی عموماً به نتایج مشابه و یکسانی منجر نمی‌شود و پژوهش‌های تجربی نیز به دلیل تنوع در تعریف و سطح، مؤلفه‌های مختلفی را طرح کرده‌اند. این پژوهش برای تعیین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی به برخی تحقیقات که بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳ میلادی (۵ تحقیق فارسی و ۱۵ تحقیق لاتین) انجام شده و دارای این وجوه مشترک بوده‌اند، مراجعه کرد: ۱. مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی به صراحت در پژوهش بیان شده‌اند؛ ۲. در سطح خرد و میانی بوده‌اند؛ ۳. رویکرد آنها رویکرد فردی بوده یا به اتخاذ رویکرد شبکه‌ای اشاره نکرده‌اند. با استخراج مؤلفه‌ها، می‌توان گفت مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در سطح خرد و میانی ۱. اعتماد، ۲. تعامل متقابل^۱، ۳. شبکه، ۴. روابط همسایگی، ۵. مشارکت اجتماعی هستند. وجود اعتماد (شکل شناختی) سبب می‌شود

روابط بین افراد سریع‌تر ایجاد شده و نیز عمق و کیفیت بهتری پیدا کنند. تعامل متقابل (شکل شناختی) بدین معنی است که «افراد خدمتی را برای دیگران انجام می‌دهند یا برای منفعت دیگران از خود مایه می‌گذارند، اما عموماً با این انتظار که این محبت در زمانی نامشخص در آینده و در هنگام نیاز آنها پاسخ داده خواهد شد.» (Onyx & Bullen, 2000: 24). شبکه‌ها عناصر ساختاری سرمایه اجتماعی هستند (استون، ۲۰۰۱) که به روابط اجتماعی درون خود نظم بخشیده و امکان دسترسی افراد به منابع درون شبکه را ممکن می‌سازند.

هسته سرمایه اجتماعی: از آنچه گفتیم اهمیت و نقش روابط و تعامل در سرمایه اجتماعی روشن شد، به گونه‌ای که می‌توان گفت «رابطه» هسته سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی در روابط بین افراد نهفته است و نه در خود آنها و در حقیقت «سرمایه اجتماعی به مردم به عنوان سازنده می‌نگرد» (Onyx & Bullen, 2000: 25) و نه نظاره‌گر. تنها در سایه ارتباط و تعامل بین کنشگران است که امکان خلق سرمایه اجتماعی وجود دارد.

سرچشمه‌های سرمایه اجتماعی: در حوزه سرمایه اجتماعی کمتر بدین پرسش پرداخته شده که افراد چرا به تعامل با دیگران، تعاملی که همراه با اعطای کمک، خیر و منفعت به دیگران است؛ مبادرت می‌کنند؟

می‌توان این سؤال را بدین صورت طرح کرد که سرچشمه‌های سرمایه اجتماعی کدام‌اند؟ پاسخ به این سؤال از آن جهت اهمیت دارد که امکان برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری را برای افزایش سطح سرمایه اجتماعی به دست خواهد داد. کلمن با طرح «نظریه انتخاب عقلانی»^۱، کنش عقلانی هدفمند را انگیزه و عاملی برای کنشگر می‌داند. پورترز (۱۹۸۸) به‌طور مشخص دو عامل را سرچشمه سرمایه اجتماعی و انگیزه افراد از کمک به دیگران معرفی می‌کند: کمال‌جویی و ابزاری^۲. از منظر کمال‌جویی، فرد کمک کردن به دیگران را همچون تکلیف می‌داند. نگاه ابزاری بر هنجار تعامل متقابل تأکید دارد که کمک به دیگری متأثر از اطمینان یا امیدی است که فرد به بازگشت این کمک دارد (گرچه ممکن است این بازگشت به شیوه‌ای دیگر و حتی فردی به جز کمک‌گیرنده صورت گیرد).

در کنار نظرات پورترز، انگیزه‌ها یا دلایل دیگری نیز برای همکاری بین افراد، که به شکل‌گیری سرمایه اجتماعی منجر می‌شود، بیان شده است. گود^۳ (۱۹۸۸) معتقد است کسب «اعتبار و

1 Rational Choice Theory

2 Consummatory & Instrumental

3 Good

شهرت^۱ می‌تواند عاملی برای اعتماد افراد به یکدیگر و کنش اجتماعی شود. «تمایل افراد یا گروه‌ها به حفظ و نگهداری «شهرت و اعتبار» خود در زمینه اجتماعی ممکن است سبب شود آنها به رفتارهایی روی آورند که مسببی برای تسهیل همکاری‌های مشترک بین افراد شود... شهرت و اعتبار می‌تواند ابزار تعهد عمومی، تصور یا درک عقلانی باشد.» (Rydin & Penington, 2000:161). به بیانی دیگر، کسب اعتبار می‌تواند سرچشمه‌ای برای سرمایه اجتماعی باشد.

از مجموع نظرات ارائه شده می‌توان سه عامل یا انگیزه زیر را سرچشمه سرمایه اجتماعی دانست:

۱. **دیگرمحوری (کمال‌گرایی):** آنگاه که فرد براساس نوع دوستی و حس خیرخواهانه منابع را از تعامل با دیگران در قالب فردی یا شبکه‌ای عرضه می‌کند. پژوهش‌ها و مطالعات در شرح دلایلی که فرد به دیگرمحوری روی می‌آورد دچار خلأ و کمبود هستند اما می‌دانیم فرد در این حالت، مقابله به مثل را شرط برقراری رابطه نمی‌داند و دیگر آنکه دین و آموزه‌های آن در بروز این شکل از انگیزه نقش دارند.

۲. **منفعت‌محوری (ابزاری):** افراد از آنجا که در تعامل با دیگران به سود، منفعت یا نتایج مثبتی می‌رسند به برقراری ارتباط با دیگران در شبکه‌های مختلف روی می‌آورند. در این شکل از انگیزه که در ادبیات سرمایه اجتماعی بیشتر بدان توجه شده، فرد با این فرض منابع خود را عرضه می‌کند که تضمینی برای بازگشت آن وجود دارد و اساس کنش او محاسبه عقلانی است.

۳. **اعتبارمحوری (کسب شهرت):** در این شکل از انگیزه، کنشگر بیش از آنکه انتظاری برای بازگشت منابع خود داشته باشد در جستجوی کسب شهرت و اعتبار در میان گروه و جامعه است.

در مجموع، براساس مفهوم سرمایه اجتماعی، منابع درون گروه‌ها می‌توانند از طریق تعامل افراد، در سایه اعتماد و هنجارهایی نظیر تعامل متقابل، به سرمایه تبدیل شده و کنش جمعی را تسهیل و در جهت تأمین منافع اعضا عمل کنند. سرچشمه‌ها یا دلایلی که سبب می‌شوند افراد به کنش‌های اجتماعی در جهت شکل‌گیری سرمایه اجتماعی روی آورند در قالب «دیگرمحوری»، «منفعت‌محوری»، «اعتبارمحوری» قابل طرح هستند. جوهر و هسته سرمایه اجتماعی «رابطه» بوده و می‌توان در سطح خرد و میانی مؤلفه‌ها یا شاخص‌های پنج‌گانه «اعتماد، تعامل متقابل، شبکه، روابط همسایگی و مشارکت اجتماعی» را برای سرمایه اجتماعی بیان کرد.

روش تحقیق

براساس نوع و ماهیت پژوهش و پرسش‌های آن می‌توان گفت این پژوهش توصیفی اکتشافی است که در آن فرضیه‌ای طرح نمی‌شود. این‌گونه از پژوهش‌ها در پی ایجاد زمینه‌ای برای درک بهتر هر پدیده‌ای و شناسایی و تبیین آن هستند. برای نیل به این هدف در این پژوهش از روش اسنادی استفاده شده است. روش اسنادی یعنی تحلیل آن دسته از اسنادی که شامل اطلاعاتی درباره پدیده‌های مورد مطالعه هستند (بیلی، ۱۹۹۴). در این روش، پژوهشگر به دنبال واکاوی مقاصد ذهنی یا انگیزه‌های پنهان متن نیست بلکه در پی سنخ‌شناسی‌های متنوع و ایجاد طبقه‌بندی رویکردهای متعدد است. این روش برای استفاده نظام‌مند و منظم از داده‌های اسنادی برای کشف، استخراج، طبقه‌بندی و ارزیابی مطالب مرتبط با موضوع پژوهش و نیز برای یافتن خط سیر و فرایند تکوینی پدیده‌های اجتماعی مناسب است (صادقی و عرفان منش، ۱۳۹۴). این پژوهش برای افزایش اعتبار تحقیق از راهبردهایی چون استفاده از منابع معتبر و مرجع و نیز ایجاد تنوع در منابع و رجوع به منابع متعدد استفاده می‌کند.

سرمایه اجتماعی در ایران (بحث و تحلیل)

این پژوهش در گام نهایی، سرمایه اجتماعی را براساس چارچوبی که از بخش پیشین (چارچوب مفهومی) به دست آمده در ایران، به بحث می‌گذارد. بدین منظور الف. به تأثیر اسلام و شرایط اسلامی بر وجوه سرمایه اجتماعی شامل هسته، سرچشمه و مؤلفه‌ها پرداخته و ب. با نگاهی به ویژگی‌های اجتماعی ایران، تأثیر آن بر سرمایه اجتماعی بررسی می‌شود. تلفیق یافته‌های این دو بخش، به ترسیم تصویری از این مفهوم در جامعه اسلامی ایران می‌انجامد.

بستر اسلامی: علاوه بر رابطه دین و سرمایه اجتماعی، از آنجا که اسلام دینی اجتماعی است (طباطبایی، تفسیر المیزان)، انتظار می‌رود که آموزه‌های آن دستاوردهایی برای سرمایه اجتماعی داشته باشند، بنابراین بررسی وجود و میزان تأثیر اسلام بر سرمایه اجتماعی (هسته، سرچشمه و...) و نتایجی که می‌تواند برای هر دو شکل شناختی و ساختاری آن داشته باشد ضروری است. این پژوهش در بررسی خود صرفاً به آیات قرآن کریم مراجعه کرده است.

هسته سرمایه اجتماعی: رابطه بین افراد هسته سرمایه اجتماعی تلقی می‌شود. آموزه‌های

اسلام از سه جهت می‌توانند بر ایجاد رابطه بین افراد مؤثر باشند:

الف. اسلام با تعابیر مختلف و مکرر مسلمانان را به تعامل و برقراری دوستی با دیگران توصیه کرده است. مفهوم «اخوت» که در قرآن^۱ بدان اشاره شده تأکیدی است بر آنکه مؤمنین بدون توجه به ثروت یا جایگاه خود به ارتباط و تعامل با دیگران روی آورند. برخی اخوت را فراتر و عمیق‌تر از رابطه شهروندی می‌دانند (کوهکن، ۱۳۸۸).

ب. آموزه‌های اسلام مسلمانان را ملزم یا دعوت به آداب و فضائلی می‌کند که به برقراری یا تسهیل تعامل بین افراد کمک کند از جمله حسن خلق، احترام به دیگران، خوش‌رویی^۲ و...
ج. اسلام از طریق فرائض، مناسک و آئین‌های خود نیز شرایط مناسب را برای برقراری رابطه فراهم کرده است. به جز مواردی چون حج و نماز جمعه که در سطح کلان سرمایه اجتماعی عمل می‌کنند، نماز جماعت می‌تواند در سطح خرد و میانی امکان تعامل را فراهم کند. در ایران، همچنین می‌توان به هیئت‌های مذهبی، به‌عنوان گروه‌های غیررسمی، اشاره کرد که علاوه بر کارکردهای مذهبی، امکان تعامل و ارتباط اجتماعی را میان اعضا مهیا می‌کنند. تحقیقات نشان داده‌اند این هیئت‌ها علاوه بر نقش آفرینی (هر چند محدود) در مسیر جامعه مدنی (زاهدزاهدی، گروسی، ۱۳۸۱) در بالا بردن سرمایه اجتماعی اعضای خود نقش دارند (دموری و دیگران، ۱۳۸۹). براین اساس، احکام، فرائض و توصیه‌های اسلام مشوق و خواهان برقراری ارتباط بین افراد است که خود هسته سرمایه اجتماعی دانسته می‌شود.

سرچشمه‌های سرمایه اجتماعی: به باور اسلام، که دینی الهی (برخلاف غرب) است، سعادت غایی انسان نه بهره‌مندی از مزایای حیات مادی و دنیائی بلکه فراتر از آن و سعادت اخروی است (طباطبایی، تفسیر المیزان)^۳ از دید اسلام دیگرمحوری (از سرچشمه‌های سرمایه اجتماعی) و کمک به دیگری اعم از کمک مالی، فکری، معنوی، عاطفی و... نوعی وظیفه و کردار خیر محسوب شده و او را به سوی کمال و تعالی پیش می‌برد. نگاه منفعت طلبانه (صرف) به رابطه نه تنها توصیه نشده بلکه مذموم دانسته می‌شود. درخشی و ردادی (۱۳۹۰) معتقدند دین انگیزه‌های غیرمادی برای تولید سرمایه اجتماعی ایجاد می‌کند. انگیزه فرد مسلمان از کمک به دیگری یا مشارکت در یک فعالیت جمعی یا حضور و کنش در یک گروه، تنها توجه به نفع و سود شخصی خود نبوده بلکه اسلام به او آموخته، کمک به دیگران یک فضیلت و توجه به نفع

۱ سوره حجرات، آیه ۱۰

۲ سوره مبارکه و آیات: بقره ۸۳، عنکبوت ۴۶، فصلت ۳۴، نور ۲۷، حجرات ۱۳

۳ ذیل تفسیر آیه ۲۰۰ سوره مبارکه آل عمران

عمومی یک وظیفه است.^۱ کمک به دیگری فارغ از نتیجه یا منفعتی که ممکن است برای فرد داشته باشد، بالذات پسندیده و عمل خیر محسوب می‌شود.^۲ از سوی دیگر اسلام انتظار دارد افراد تفکری اجتماعی داشته باشند بدین معنی که: «همواره شخص خود را نصب‌العین خود نمی‌بیند، بلکه خود را جز لاینفک و وابسته به اجتماع می‌نگرد و منافع خود را جزئی از منافع اجتماع و خیر اجتماع را خیر خودش... می‌بیند.» (طباطبایی، تفسیر المیزان) توصیه به ایثار، انفاق، گذشت^۳ و... نشان می‌دهد که توجه اسلام تنها به کسب منفعت و سود شخصی نیست یا تعبیر و تعریفش از سود شخصی متفاوت از آن چیزی است که منجر به نگاهی ابزاری به مشارکت و تعاون شود. اسلام در بخش دیگر سرچشمه سرمایه اجتماعی، یعنی اعتبار محوری، نیز توصیه‌هایی دارد. کسب خوش‌نامی، آوازه و اعتبار برای مسلمان در جامعه نیز از دید اسلام پسندیده و مورد تأیید است. بنابر آیات قرآن، پیامبران الهی از او می‌خواهند نامی نیک از آنها بر جای بماند^۴، همچنین قرآن یکی از پاداش‌های دنیوی اعمال حسنه مسلمانان را خوش‌نامی آنها در میان مردم و باقی ماندن نام و آوازه نیک می‌داند.^۵

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت مطابق با آموزه‌های اسلام، از میان سه سرچشمه‌ای که برای سرمایه اجتماعی منتج از دیدگاه غربی بیان شد، دیگرمحوری (کمال‌گرایی) و اعتبارمحوری می‌تواند سرچشمه‌ای قوی و غنی برای ایجاد سرمایه اجتماعی در بین مسلمانان باشد. ذکر این نکته ضروری است چگونگی ترغیب کنشگران به کنش در جهت شکل‌گیری سرمایه اجتماعی یکی از دغدغه‌های کنونی جوامع غربی است (فیلد، ۱۳۸۶؛ فوکویاما، ۱۳۸۵). به بیانی دیگر، سرچشمه‌های سرمایه اجتماعی در غرب دچار فقر شده و توان ایجاد انگیزه برای کنشگر را ندارند، حال آنکه اسلام و آموزه‌های آن با توان انگیزشی خود می‌توانند منبعی مستمر برای خلق سرمایه اجتماعی باشند.

مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی: پیش‌تر اعتماد، تعامل متقابل، شبکه، روابط همسایگی، مشارکت اجتماعی به عنوان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در سطح خرد و میانی مطرح شدند، در ادامه به اشارات اسلام در باب این مؤلفه‌ها پرداخته می‌شود.

۱ سوره بقره آیات ۲۶۱ تا ۲۷۴

۲ سوره بقره، آیه ۲۷۲

۳ سوره مبارکه و آیات یوسف، ۹۱، طه، ۷۲، حشر ۵۹ در باب ایثار، بقره ۲۵۴ در باب انفاق، بقره، ۱۷۸ در باب گذشت

۴ سوره شعراء، آیه ۱۴

۵ سوره صفات آیات ۷۷ تا ۸۰ و ۱۲۳ تا ۱۳۱

اعتماد: در تقسیم‌بندی رایجی برای اعتماد سه‌گونه نهادی، تعمیم‌یافته و اعتماد به بستگان ارائه شده است (استون، ۲۰۰۱). اعتماد نهادی را می‌توان در دستورات سیاسی اجتماعی دین اسلام جستجو کرد. توصیه‌هایی که در خصوص برقراری عدل، مساوات، عدالت اجتماعی و... شده می‌تواند سبب اعتماد افراد جامعه به حکومت و نیز نهادهای برآمده از آن شوند. اعتماد نهادی در سطح کلان سرمایه اجتماعی قابل طرح است که در این پژوهش بدان پرداخته نمی‌شود اما برخی تحقیقات (کوهکن، ۱۳۸۸؛ درخشه و ردادی، ۱۳۹۰) مضامینی چون امامت، اخوت و ولایت را نیز عاملی برای شکل‌گیری این نوع از اعتماد دانسته‌اند. درباره اعتماد به بستگان و اعتماد تعمیم‌یافته باید گفت در متون دینی و آیات قرآن اشاره مستقیمی به واژه «اعتماد» نشده اما توصیه‌ها و تأکیدات فراوانی در باب خصائلی وجود دارد که وجود آنها لازمه و موجد اعتماد بوده و به رشد آن در جامعه کمک می‌کنند (نظرپور و منتظری‌مقدم، ۱۳۸۷). سفارش به راستگویی، حسن ظن، امانتداری، وفای به عهد، پرهیز از نفاق، صلۀ ارحام^۱ و...، که برخی‌شان از نشانه‌های فرد مؤمن است، صفاتی هستند که می‌توانند زمینه‌ساز ایجاد اعتمادی عمیق و فراگیر بین مسلمانان شوند. کوهکن (۱۳۸۸) به تأثیر اسلام در ایجاد اعتماد در قالب مؤلفه‌های اجتماعی و اقتصادی و علینی (۱۳۹۱) در قالب مؤلفه‌های سلبی و ایجابی اشاره کرده‌اند.

تعامل متقابل: هنجار تعامل متقابل بر این استوار است که فرد دهنده براساس اصل بازگشت کمک یا خدمت خود به دیگران کمک می‌کند، اما در فضائل اسلامی بازگشت سود، شرط کمک نیست. این‌بار که در قرآن بدان سفارش شده^۲ به معنای کمک بدون انتظار متقابل و ارجح دانستن دیگری بر خود است. اسلام می‌تواند از طریق توصیه‌های خود و اشاعۀ ارزش‌ها و باورها نقشی عمده در شکل‌گیری هنجارهای اجتماعی داشته باشد. فضایی چون این‌بار و انفاق سبب می‌شود تا هنجار تعامل متقابل به شکلی عمیق‌تر و کاراتر از آنچه در غرب مدنظر است در جامعه رواج یابد. مؤلفه تعامل متقابل پیوندی نزدیک با «دیگرمحوری» یکی از سرچشمه‌های غنی سرمایه اجتماعی در فضایی اسلامی دارد.

شبکه: این پژوهش در بررسی‌های خود، نتوانست اشاره مستقیمی در آیات قرآن و متون دینی مبنی بر توصیه به حضور در شبکه‌ها، نهادها و... بیابد. علینی (۱۳۹۱) نیز تلویحاً به این

۱ سوره مبارکه و آیات توبه، ۱۱۹، بقره، ۱۷۷، نساء ۵۸، مؤمنون ۸، منافقون.

۲ سوره مبارکه و آیات یوسف ۹۱، سوره اعلی، ۱۶. ضروری است یادآوری شود واژه «این‌بار» عیناً در قرآن نیامده است.

نکته اذعان کرده و سرکیسیان (۲۰۱۲) نیز به ضعف نهادهای مدنی در کشورهای اسلامی اشاره دارد.^۱ یکی از مباحث سرمایه اجتماعی در ادبیات غرب، معطوف به چگونگی تضمین بازگشت کمکی است که دهنده در اختیار گروه قرار می‌دهد (کلمن، ۱۳۸۶؛ فیلد، ۱۳۸۶؛ تاجبخش، ۱۳۸۴). این تضمین در غرب، عمدتاً متکی به قوانین و رویه‌های وضع شده در داخل شبکه است، اما در جامعه اسلامی، آموزه‌هایی چون وفای به عهد و امانتداری می‌توانند تضمینی برای کمک‌دهنده باشند چراکه عمل به آنها وظیفه‌ای دینی محسوب می‌شود.

روابط همسایگی، مشارکت اجتماعی: تأکید بر روابط حسنه با دیگران، اشاره به «اخوت» و «شورا» در قرآن^۲ و تکریم همسایگان^۳ در آموزه‌های اسلامی، مسلمانان را به تعامل با یکدیگر دعوت و توصیه می‌کند. برقراری رابطه با همسایه و احترام آنها جزئی از فرهنگ اسلامی محسوب شده و اشارات و توصیه‌های مختلفی درباره حقوق همسایه وجود دارد.^۴ آنگونه که در سطور قبل نیز اشاره شد، گرچه مشارکت‌های رسمی در قالب شبکه‌ها کم‌رنگ هستند، اما براساس تأکیدی که بر شورا و جایگاه همسایه در آموزه‌های اسلام وجود دارد می‌توان گفت اسلام زمینه را برای برقراری رابطه در گروه‌های کوچک و غیررسمی در سطح همسایگان و محله مهیا می‌کند.

ب. بستر اجتماعی

پیش‌تر به لزوم توجه به تاریخ و زمینه‌های اجتماعی بستر در تحقیقات مرتبط با سرمایه اجتماعی اشاره شد. برای آگاهی از تأثیر شرایط اجتماعی به بررسی ساختار اجتماعی ایران و کنش اجتماعی کنشگران منطبق با این مفهوم پرداخته می‌شود. در این بخش، تمرکز بر شکل ساختاری سرمایه اجتماعی و به عبارتی گروه‌ها و شبکه‌ها و نیز جایگاه، گستره و نقش آنها در شرایط اجتماعی ایران از عصر صفوی تا معاصر می‌باشد.

کیوانی (۱۳۹۲) در بررسی اصناف و نهادها در دوره صفویه بیان می‌کند که دولت صفوی اجازه رشد و قدرت گرفتن را به اصناف نمی‌داد. ارتباط حکومت و جامعه از طریق نهادهای

۱ تحقیقات به تأیید مثبت یا منفی اسلام بر مشارکت اشاره کرده‌اند، نک: (Sarkissian, 2012; Smidt, 2003).

۲ سوره مبارکه و آیات: حجرات ۱۰، شورا ۳۸.

۳ سوره نساء، ۳۶.

۴ برخی آیه ۳۶ سوره مبارکه نساء را مبنایی برای تعریف حقوق همسایگی می‌دانند (طباطبایی، تفسیر المیزان).

مختلف و مناصبی چون کلانتر، داروغه، محتسب، کدخدا و... به منظور حفظ قدرت دولت، جمع‌آوری مالیات، کاهش منازعات و... صورت می‌گرفت، لیکن قدرت حاکمه «فرصت توسعه مؤثر هرگونه نهادهای محلی خودجوش را به جامعه نمی‌داد.» (کیوانی، ۱۳۹۲: ۷۳). عدم وجود، ثبت یا نقش‌آفرینی گروه‌های سازمان‌یافته رسمی در ایران مورد تأیید برخی نظریه‌پردازان نیز قرار گرفته است (پیران، ۱۳۹۲؛ رضانی، ۱۳۹۳) از سوی دیگر، می‌توان گروه‌های غیررسمی را در جامعه ایران نقش‌آفرین یافت. کیوانی (۱۳۹۲) به تشکیل جلساتی غیررسمی و مخفیانه برای اهداف مختلف صنفی (در دوره صفوی) اشاره می‌کند. «از آنجایی که حکومت، خدمات رفاهی اجتماعی فراهم نمی‌کرد، پیشه‌وران انجام چنین خدماتی را به صورت جمعی یا فردی در مقدار پراهمیت‌تری در مقایسه با گروه‌های اجتماعی، مذهبی و جماعت محلات انجام می‌دادند.» (کیوانی، ۱۳۹۲: ۱۴۴). همچنین وجود همیاری و همکاری بین روستاییان، که به صورت غیررسمی انجام می‌شد، پایه نظریه فرهادی (۱۳۸۳) را درباره جامعه ایران تشکیل می‌دهد.

ضعف نهادهای رسمی و حضور نهادهای غیررسمی در جامعه امروز ایران نیز تداوم پیدا کرده است. جلائی‌پور (۱۳۹۲) در نظریه خود عدم شکل‌گیری وجه غالب روابط اجتماعی بر پایه روابط مدنی را یکی از نارسایی‌های درونی اجتماع ایران می‌داند و شاهد آن را «ضعف التزام اخلاقی و هنجاری ... و گسترش بی‌اعتمادی» (جلائی پور، ۱۳۹۲: ۲۳۰) می‌داند که در سطح روابط بین اعضای خانواده، همسایگان، فرد، دولت و... وجود دارد. از دید او، ضعف دوم فرسایش سرمایه اجتماعی در ایران بوده و بسیاری از نهادها نظیر نهادهای مدنی و سمن‌ها دچار بحران هستند به گونه‌ای که سمن‌ها از مشارکت و همراهی حتی ۱۰ درصد اقشار طبقه متوسط و جدید ایران هم برخوردار نیستند. معیدفر (۱۳۸۵) در نظریه خود، درباره جامعه امروز ایران با نام «سازگاری عرفی» بیان می‌کند که هنجارهای غیررسمی که در قالب گروه‌های غیررسمی شکل می‌گیرند کاراتر از هنجارهای رسمی هستند که دولت یا زیرمجموعه‌های آن عرضه می‌کند. پیران (۱۳۹۲) در نظریه «راهبرد و سیاست سرزمینی جامعه ایران» و در مبحث وابستگی، مفهوم سرمایه اجتماعی به زمینه، می‌گوید بازتولید نظام زورمداری در تاریخ ایران سبب شده «سرمایه اجتماعی بر پایه اعتماد مردم به حکومت برای قرن‌ها در حدی بس ناچیز تداوم یابد. برعکس، سرمایه اجتماعی حاصل از پیوندهای خونی، تباری از یک سو و سرمایه اجتماعی حاصل از تعلق همگانی به مذهب با مجموعه‌ای از ارزش‌های آن جهانی از سوی دیگر، در سطح بالایی قرار داشته است.» (پیران، ۱۳۹۲: ۲۳). پژوهش‌های دیگر نیز بیان می‌کنند سرمایه اجتماعی در

سطح خرد در ایران بیشتر از سطح نهادی (کلان) آن بوده (عبدالهی، ۱۳۸۶)، مشارکت اجتماعی نیز در سطح خرد، قابل قبول اما در سطح کلان، ضعیف (موسوی، ۱۳۸۵) و شاخص‌های مشارکت غیررسمی مذهبی و خیریه‌ای قوی‌تر از شاخص‌های مشارکت رسمی است (زاهدی و دیگران، ۱۳۸۸؛ فیروزآبادی، ۱۳۸۵) همچنین انجمن‌های زادگاهی (ناشی از وابستگی مکانی و قومی) در بین انجمن‌های رسمی کارا تر هستند (رستمعلی زاده و فیروزآبادی، ۱۳۹۰).

در مجموع می‌توان بیان کرد: ۱. گروه‌ها و شبکه‌های رسمی در نظام اجتماعی ایران تأثیرگذاری اندکی در شکل‌گیری یا ارتقا سرمایه اجتماعی، در گذشته یا حال، داشته‌اند. ۲. نهادهای غیررسمی و عمدتاً مبتنی بر پایه‌های مشترک مذهبی، قومی، فامیلی، محلی در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی کارا تر بوده‌اند. در بیانی کلی، نظام اجتماعی ایران در شکل ساختاری سرمایه اجتماعی و در سطح کلان و میانی دچار ضعف است.

جمع‌بندی یافته‌ها

کنکاش در شرایط اجتماعی ایران و آموزه‌های اسلام به ما کمک کرد تا دریابیم مفهوم سرمایه اجتماعی، هسته، سرچشمه، و مؤلفه‌های آن در ایران تفاوت‌هایی با جوامع غربی آن دارد. می‌توان گفت هسته سرمایه اجتماعی در ایران جاری است و اسلام به طرق مختلف آن را ترویج می‌کند، درحالی‌که غرب در تکاپوی تقویت سرچشمه‌های سرمایه اجتماعی است، آموزه‌های اسلام پشتوانه‌ای غنی برای دیگرمحوری و اعتبارمحوری هستند. در سوی دیگر، گروه‌ها و شبکه‌ها در جامعه ایران و در مقایسه با غرب از قدرت و کارآمدی کمتری برخوردار بوده و در جامعه نهادینه نشده‌اند، کنشگران تمایل کمتری به حضور در آنها دارند و در نتیجه می‌توان گفت سرمایه اجتماعی ساختاری در ایران کم‌توان و ضعیف است. دلایل این ضعف را می‌توان از هر دو منظر اجتماعی و دینی مشاهده کرد. در مقابل، سرمایه اجتماعی شناختی در قیاس با شکل ساختاری آن در جامعه ایران کارا تر بوده و مؤلفه‌های مرتبط با این شکل سرمایه اجتماعی نظیر اعتماد، تعامل متقابل و... نه تنها به واسطه آموزه‌های اسلام بلکه متأثر از تاریخ و زندگی اجتماعی ایرانیان پررنگ‌تر و مقبول هستند. براین اساس گروه‌های غیررسمی، در مقیاس خرد و میانی، عموماً در سطح محلات و همسایگی راحت‌تر و بیشتر از گروه‌های رسمی شکل گرفته و کنش دارند. تعامل و ارتباط میان همسایگان، بستگان و همکاران رخ داده و مشارکت‌هایی در همین سطح صورت می‌گیرد و به بیانی دیگر، شیوه‌های بروز سرمایه اجتماعی در ایران و غرب

تفاوت‌هایی دارند. این پژوهش به این جمع‌بندی می‌رسد که سرمایه اجتماعی در جامعه ایران، نسبت به غرب در شکل شناختی قوی‌تر و پشتوانه‌های مستحکم‌تری دارد، ولی در شکل ساختاری ضعیف است. با توجه به ضعف در شکل ساختاری، قوت در شکل شناختی، و تفاوت در شیوه‌های بروز سرمایه اجتماعی می‌توان مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی را در سطح خرد و میانی و در ایران ۱. اعتماد، ۲. تعامل متقابل، ۳. پیوندهای همسایگی و ۴. مشارکت محلی معرفی کرد. این نتیجه‌گیری، کمک می‌کند درک صحیحی از این مفهوم در پژوهش به دست آید و عملیاتی کردن آن با آگاهی بیشتری ممکن شود.

سخن آخر، نشان دادیم که در ادبیات غرب تأکید بر شبکه و وجه ساختاری سرمایه اجتماعی است، به گونه‌ای که حتی تحقیقات دینی به وجه سازمان‌دهنده دین نظر کرده و به وجه ذهنی و تأثیری که آموزه‌های دین می‌تواند بر کنش منجر به خلق سرمایه اجتماعی شود، توجه نکرده‌اند. برخی این غفلت و اهمیت عناصر شناختی را یادآوری می‌کنند. آفه^۱ (۲۰۰۰) خواستار اتخاذ نگاهی انسانی و نه صرفاً ساختاری به سرمایه اجتماعی است و معتقد است حتی روابط درون شبکه از طریق فرایندی ذهنی و متأثر از عناصر شناختی شکل می‌گیرد. «مردم از رفتار نوع‌دستانه خود، حتی وقتی که برایشان هزینه‌ای دارد، احساس رضایت می‌کنند. سرمایه اجتماعی برخاسته از ظرفیتی انسانی است که سبب می‌شود مردم سخاوتمندانه و با تشریک مساعی فکر و عمل کنند. اگر چنین نبود ما پدیده‌های اندکی مرتبط با سرمایه اجتماعی را شاهد بودیم.» (Uphoff, 2000: 230). این خلأ در ایران، متأثر از شرایط اجتماعی و اسلام وجود نخواهد داشت به‌ویژه اگر تحقیقات به تأثیر دین بر همه وجوه سرمایه اجتماعی (و نه صرفاً مؤلفه‌ها) پرداخته و در تبیین مفهوم نیز به تأثیر زمینه و بستر توجه کنند.

نتیجه‌گیری

برای آنکه بحث درباره سرمایه اجتماعی با گستردگی مفهومی و کاربردی‌اش میسر و حصول نتیجه ممکن باشد، این پژوهش آن را در سطح خرد و میانی و با رویکرد فردی (در مقابل رویکرد شبکه‌ای) بررسی کرد. در گام نخست و به جهت شکل‌گیری چارچوبی مشخص برای بحث، شناخت و تعیین هسته، سرچشمه، و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی هدف‌گذاری شد. هسته سرمایه اجتماعی «رابطه» و سرچشمه‌های آن ذیل سه عنوان «دیگرمحوری»، «منفعت‌محوری»، و

1 Uphoff

«اعتبار محوری» بیان شد. این پژوهش با رصد تحقیقات مختلفی که از نظر رویکرد و سطح همسو با این پژوهش بودند، مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی را اعتماد، تعامل متقابل، شبکه، روابط همسایگی و مشارکت اجتماعی تشخیص داد.

در ادامه و با توجه به زمینه‌گرا بودن مفهوم سرمایه اجتماعی، واکاوی بستر تحقیق (ایران) از منظر ۱. بستر اسلامی ۲. بستر اجتماعی (از صفویه تا کنون) و مطابق با چارچوبی که در گام اول به‌دست آمده بود انجام شد. بررسی ساختار اجتماعی گذشته و معاصر ایران نشان داد گروه‌ها و شبکه‌های رسمی حضور و کنشگری کم‌رنگ‌تری نسبت به گروه‌های غیررسمی در جامعه داشته‌اند. مرور چارچوب پیش گفته در آینه اسلام با مراجعه به آیات قرآن کریم مشخص کرد:

- رابطه که هسته سرمایه اجتماعی است به کرات در اسلام سفارش و مدح شده است.

- آموزه‌های اسلام سرچشمه‌هایی غنی و پر بار برای «دیگرمحوری» و «اعتبارمحوری» هستند

که می‌توانند موجد سرمایه اجتماعی در جامعه اسلامی باشند.

- گرچه این پژوهش به نشانه‌هایی روشن و شفاف از آموزه‌های اسلامی درباره سرمایه

اجتماعی ساختاری و تشکیل شبکه‌های رسمی نرسید، اما اسلام در ابعاد مختلف، توصیه‌ها و احکامی در جهت شکل‌گیری، حفظ و تحکیم عناصر شناختی سرمایه اجتماعی همچون اعتماد و هنجار تعامل متقابل دارد که البته خود می‌توانند در سطح میانی سرمایه اجتماعی اثرگذار باشند.

- مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در سطح خرد و میانی و در ایران اسلامی را می‌توان اعتماد،

تعامل متقابل (عناصر شناختی) پیوندهای همسایگی، و مشارکت محلی (عناصر ساختاری) دانست.

در مجموع می‌توان گفت سرمایه اجتماعی شناختی در جامعه ایران نسبتاً قوی و با

پشتوانه‌های مستحکمی است ولی در شکل ساختاری و در سطح کلان و میانی ضعیف است.

اسلام و شرایط اجتماعی ایران در همان نقطه‌ای (شکل شناختی) که ادبیات غرب در آن دچار

فقر بوده و سکوت کرده، غنی و پر بار است. اگر جامعه غرب برای جبران خلأ عناصر شناختی

سرمایه اجتماعی متکی به ساز و کارهای شبکه (برای ایجاد اعتماد و هنجار) می‌شود، مختصات

اسلامی اجتماعی ایران واجد و حامل پشتوانه‌ای مؤثر و کارا از سرمایه اجتماعی شناختی است و

اگر سرچشمه‌های سرمایه اجتماعی در غرب دچار ضعف شده و توان ایجاد انگیزه برای کنشگر

را ندارند، اسلام و آموزه‌های آن با توان انگیزشی خود می‌توانند منبعی مستمر برای خلق سرمایه

اجتماعی باشند. این نتیجه‌گیری، کمک می‌کند درکی صحیح‌تر از این مفهوم در ایران به دست

آورده و پیش‌بینی، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای افزایش سطح سرمایه اجتماعی را آگاهانه‌تر انجام دهیم.

منابع

- قرآن کریم
- پیران، پرویز (۱۳۹۲)، *مبانی مفهومی و نظری سرمایه اجتماعی*، تهران: علم.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴)، *سرمایه‌های اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*، گردآوری کیان تاجبخش؛ رابرت پاتنام و دیگران، ترجمه افشین خاکباز، حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.
- جلالی پور، حمیدرضا (۱۳۹۲)، *جامعه‌شناسی ایران: جامعه‌کژمدرن*، تهران: علم.
- رستمعلی‌زاده، ولی‌اله، فیروزآبادی، سیداحمد (۱۳۹۰)، «نقش سرمایه اجتماعی در شکل‌گیری نهادهای پایدار مهاجرین (انجمن‌های زادگاهی)»، *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال چهارم/شماره اول: ۱۴۵-۱۳۱.
- درخشه، جلال، ردادی، محسن (۱۳۹۰)، «کژکارکردهای سرمایه اجتماعی و نقش دین در بهبود آن»، *جستارهای سیاسی معاصر*، سال دوم، شماره ۱: ۹۴-۷۳.
- دموری، داریوش، طاهری دمنه، محسن، کنجکاو منفرد، امیررضا (۱۳۸۹)، «واکاوی نقش مذهب شیعی در آفرینش سرمایه اجتماعی»، *مطالعات ملی*، سال یازدهم، شماره ۳: ۲۴-۳.
- رضائی، ابوالفضل (۱۳۹۳)، *ساختار نظریه‌های جامعه‌شناسی ایران*، مشهد: نسخه الکترونیکی.
- زارعی، راضیه، لک زایی، نجف (۱۳۹۲)، «فقه شیعه و سرمایه اجتماعی در ایران»، *فصلنامه شیعه‌شناسی*، شماره ۴۳: ۱۱۷-۱۴۶.
- زاهدزاهدانی، سعید؛ گروسی، سعیده (۱۳۸۱)، «هیئت‌های مذهبی و تشکل‌های صنفی به مثابه سازمان‌های غیر دولتی مطالعه موردی دوره قاجار»، *دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه اصفهان)*، شماره ۳۰ و ۳۱: ۲۴۴-۲۱۵.
- زاهدی، محمدجواد؛ شبانی، ملیحه؛ علی‌پور، پروین (۱۳۸۸)، «رابطه سرمایه اجتماعی با رفاه اجتماعی»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال نهم، شماره ۳۲: ۱۲۵-۱۰۵.
- صادقی فسایی، سهیلا؛ عرفان منش، ایمان (۱۳۹۴)، «مبانی روش‌شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی»، *راهبرد فرهنگ*، شماره ۲۹: ۹۱-۶۱.
- طباطبایی، محمد حسین، *تفسیر المیزان*، نسخه الکترونیکی.
- عبدالهی، محمد (۱۳۸۶)، «مسائل و راه‌حل‌های سنجش و تحلیل سرمایه اجتماعی در ایران»، *علوم اجتماعی*، شماره ۳، ۵۸-۳۱.

- علینی، محمد (۱۳۹۱)، سرمایه اجتماعی در آموزه‌های اسلامی، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۸۸)، فرهنگ یاریگری در ایران- درآمدی بر مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون، چاپ پنجم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- فصیحی، امان‌الله (۱۳۸۹)، اسلام و سرمایه اجتماعی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۵)، پایان نظم، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: حکایت قلم نوین.
- فیروزآبادی، سیداحمد؛ ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۵)، «سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی اجتماعی در تهران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۳: ۱۹۷-۲۲۴.
- فیروزآبادی، سید احمد (۱۳۸۵)، بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی در شهر تهران، رساله دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- فیلد، جان (۱۳۸۶)، سرمایه اجتماعی، ترجمه غلامرضا غفاری، حسین رضانی، تهران: کویر.
- کلمن، جیمز (۱۳۸۶)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ دوم، تهران: نی.
- کوهکن، علیرضا (۱۳۸۸)، «مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی اسلامی»، راهبرد یاس، شماره ۱۷: ۱۴۱-۱۲۴.
- کیوانی، مهدی (۱۳۹۲)، پیشه‌وران و زنانگی صنفی آنان در عهد صفوی، ترجمه یزدان فرخی، تهران: امیرکبیر.
- گیدنز، آتوننی (۱۳۸۰)، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ دوم، تهران: مرکز.
- معیدفر، سعید (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، تهران: نورعلم.
- موسوی، میرطاهر (۱۳۸۵)، «مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳: ۶۷-۹۲.
- نظریپور، محمدنقی، منتظری‌مقدم، مصطفی (۱۳۸۷)، «فرهنگ اعتمادساز در اندیشه دینی و نقش آن در توسعه اقتصادی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شماره ۳۱: ۶۸-۳۷.
- همیلتون، ملکم (۱۳۹۲)، جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: ثالث.
- Adler, Paul S, Kwon, Seok-Woo (2002), "Social Capital: Prospects for a New Concept", *The Academy of Management Review*, 27(1): 17-40.
- Bailey, K.D (1994), *Methods of Social Research*, New York: The Free Press.
- Carpenter, J.P, Danieri, A.G, Takahashi, L.M (2004), "Social Capital and Trust in South-east Asian", *Urban Studies*, 41(4): 853-874.
- Good, David (1988), "Individuals, Interpersonal Relations, and Trust", in *Gambetta, Diego (ed.) Trust: Making and Breaking Cooperative Relations*, Oxford: basil Blackwell: 31-48
- Grootaert, C, Bastelaer, T.V eds. (2002), *Understanding and Measuring Social Capital: A Multidisciplinary Tool for Practitioners*. Washington D.C. World Bank.
- Jeong, H.O(2010), "How Do Religions Differ in Their Impact on Individuals' Social Capital? The Case of South Korea", *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*, 39(1): 142-160.

- John A. Coleman, S.J. (2003), *Religious Social Capital: Its Nature, Social Location, and Limits*, in Smidt, C.E (2003) *Religion as Social Capital*, Baylor University Press, Texas.
- Kay, A (2006), "Social capital, the social economy and community development", *Community Development Journal*, 41(2): 160–173.
- Lam, P.(2002), "As the flocks gather: How religion affects voluntary association participation", *Journal for the Scientific Study of Religion*, 41: 405-422.
- Lewis, V, Carol, A.M, Putnam, R.D (2013), "Religion, networks, and neighborliness: The impact of religious social networks on civic engagement", *Social Science Research* 42: 331–346.
- Lim, C, Putnam, R.D (2010), "Religion, Social Networks, and Life Satisfaction", *American Sociological Review* 75(6): 914–933.
- Lin, N. (2001), *Social Capital: a Theory of Social Structure and Action*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Loveland, M.T, Sikkink, D, Myers, D.J, Radcliff, B (2005), "Private Prayer and Civic Involvement", *Journal for the Scientific Study of Religion* , 44(1): 1–14
- Mencken, F.C, Fitz, B (2013), "Image of God and Community Volunteering among Religious Adherents in the United States", *Review of Religious Research*, 55: 491–508.
- Onyx, J, Bullen, P (2000), "Measuring Social Capital in Five Communities", *The Journal of Applied Behavioral Science*, 36(1): 23–42
- Palmer, N.A, Perkins, D.D (2011), "Social Capital And Community Participation Among Migrant Workers in China", *Community Psychology*, 39(1): 89–105.
- Portes, A (1998) *Social Capital: Its Origins and Applications in Modern Sociology*, Annual Review of Sociology, Vol. 24, pp.1-24
- Putnam, R. D (Ed.) (2002), *Conclusion. In Democracies in flux. The evolution of social capital in contemporary society*, Oxford, UK: Oxford University Press.
- Rydin, Y, Penington, M (2000), "Public Participation and Local Environmental Planning: the collective action problem and the potential of social capital", *Local Environment*, 5(2): 153–169.
- Sarkissian, A (2012), "Religion and Civic Engagement in Muslim Countries", *Journal for the Scientific Study of Religion*, 51(4): 607–622.
- Smidt, C.E (2003), *Religion as Social Capital*, Baylor University Press, Texas.
- Stone, W.(2001), *Measuring social capital: towards a theoretically informed measurement framework*, Australian Institute of Family Studies
- Stromsnes, K (2008), "The Importance of Church Attendance and Membership of Religious Voluntary Organizations for the Formation of Social Capital", *Social Compass*, 55(4): 478–496.
- Uphoff, Norman (2000), "Understanding Social Capital: Learning from the Analysis and Experience of Participation." In Partha Dasgupta and Ismail Serageldin (eds.), *Social Capital: A Multifaceted Perspective*, Washington, D.C.: World Bank.
- Wissink, B, Hazelzet, A (2012), "Social Networks in 'Neighbourhood Tokyo'", *Urban Studies*, 49(7): 1527–1548.
- Wood, L.J.(2006), *Social Capital, Neighbourhood Environment and Health.*, Doctoral dissertation, Australia, University of Western Australia.
- Wuthnow, R.(2002), "Religious involvement and status-bridging social capital", *Journal for the Scientific Study of Religion*, 41: 669-684
- Yeung, A.B (2004), "An Intricate Triangle- Religiosity, Volunteering, and Social Capital: The European Perspective, the Case of Finland", *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*, 33(3): 401-422